



نقش جدید نفت و گاز روسیه

استحکام بازار اظهار نظر نمی‌کند؛ اما به هر حال امنیت عرضه در آینده تأمین خواهد شد.

روز اول

اولین سخنران این سمپوزیوم در روز اول Vicky Bailey دستیار مدیر امور بین‌المللی و سیاست‌گذاری دیپارتمان انرژی آمریکا بود که تحت عنوان «سیاست انرژی آمریکا و نفت روسیه» سخنرانی کرد. وی در مطالب خود به نقش استراتژیک نفت روسیه اشاره داشت که هم اکنون با عربستان نیز رقابت می‌کند زیرا در حال حاضر تولید روسیه فراتر از تولید عربستان است (آخرین رقم تولید روسیه ۷/۷ میلیون بشکه در

نماینده مجلس روسیه اشاره کرد که اخیراً اعلام کرده است اگر آمریکا در عراق موفق شود، صادرات نفت عراق افزایش یافته و قیمت نفت به ۱۳ دلار در بشکه خواهد رسید. یمانی اعلام کرد: اگر این امر محقق شود، به نظر من قیمت نفت به سطح کمتری هم ممکن است سقوط کند که این امر برای روسیه خوشایند نیست. از طرف دیگر هم آمریکا می‌خواهد وابستگی خود را به نفت خاورمیانه کاهش دهد و هم نفت روسیه در این جایگزینی مشارکت خواهد داشت، البته در صورت موفقیت آمریکا در عراق نقش استراتژیک نفت روسیه کاهش خواهد یافت. یمانی همچنین اظهار داشت که در مورد

ششمین سمپوزیوم سالیانه مرکز مطالعات جهانی انرژی (CGES) تحت عنوان «نقش جدید نفت و گاز روسیه» در روزهای هشتم و نهم اکتبر سال جاری در شهرک BAGSHOT در حومه لندن تشکیل شد.

در ابتدا «ژکی یمانی» وزیر نفت سابق عربستان و ریاست مرکز مطالعات جهانی انرژی ضمن خوشامدگویی به حاضرین، تعداد قابل توجه شرکت‌کنندگان در این اجلاس را نشانه اهمیت موضوع سمپوزیوم قلمداد کرد. وی معتقد بود این موضوع در طی سخنرانی‌ها و مباحث این اجلاس اثبات خواهد شد. وی بدون این که وارد بحث عراق شود به اظهار نظر یک

روز است). همچنین این نکته حائز اهمیت است که روسیه از ۸۰ میلیارد بشکه ذخایر نفتی برخوردار است.

در حالی که مخازن آمریکا تنها ۱۷ میلیارد بشکه است. البته روسیه با استفاده از تکنولوژی جدید می‌تواند برداشت از مخازن خود را ۲۵ درصد افزایش دهد که برای دستیابی به این هدف باید ۶۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کند.

قراردادهای روسیه در بخش بالادستی با شرکت‌های بین‌المللی عمدتاً از نوع مشارکت در تولید (PSA) است. دپارتمان انرژی آمریکا باید مثبت تحولات روسیه را دنبال می‌کند؛ زیرا تولید نفت روسیه همچون اوپک تحت کنترل نیست و روسیه به دنبال دستیابی به قیمت خاصی هم نبوده است، از این رو از عرضه نفت روسیه به آمریکا استقبال می‌شود. روسیه می‌تواند تا یک میلیون بشکه در روز صادرات به آمریکا داشته باشد. در این جهت ابتدا باید سرمایه‌گذاری‌های لازم صورت گیرد (حدود ۱۰۰ میلیارد دلار) و آموزش‌های فنی و نظایر آن نیز باید عملی شود.

آموزش‌های فنی و نظایر آن نیز باید عملی شود. Bailey به طور کلی همکاری‌های آمریکا و روسیه را بسیار تعیین‌کننده ارزیابی کرد و همچنین به نقش خط لوله CPC در انتقال نفت قزاقستان به بازارهای بین‌المللی (از طریق روسیه) اشاره کرد که ظرفیت عملیات آن تا یک میلیون بشکه در روز قابل افزایش است. وی همچنین معتقد بود امنیت عرضه و گفت‌وگو بین تولیدکنندگان و مصرف‌کننده و بهبود فضای سرمایه‌گذاری، فعالیت‌های تجاری را افزایش می‌دهد.

به عقیده وی نقش تکنولوژی در روابط آمریکا - روسیه بسیار تعیین‌کننده است، بنابراین آموزش روس‌ها توسط آمریکایی‌ها ادامه خواهد یافت. همچنین روسیه دارای ذخایر استراتژیک خواهد شد و در مورد برق نیز زمینه‌های همکاری وجود دارد.

دومین سخنران این کمیته که به نام روسیه در ژئوپلیتیک جهانی نامگذاری شده بود، Andrey Avestisyan معاون نماینده ویژه فدراسیون روسیه در اتحادیه اروپایی بود که در ابتدا از روسیه به عنوان یک عرضه‌کننده مطمئن انرژی به اروپا یاد کرد که بخش عمده صادرات گاز آن تاکنون به اروپا عرضه شده است. اما هم اکنون روسیه بشدت به سرمایه‌گذاری نیازمند است تا مخازن نفت و گاز و سیستم خطوط لوله خود را توسعه دهد. به عقیده وی نکته مهم این است که سرمایه‌گذاری در نفت و گاز بهتر از سایر بخش‌ها

نقش تکنولوژی در روابط

آمریکا - روسیه

بسیار تعیین‌کننده است،

بنابراین آموزش روس‌ها

توسط آمریکایی‌ها

ادامه خواهد یافت.

همچنین روسیه دارای

ذخایر استراتژیک خواهد شد

و در مورد برق نیز

زمینه‌های همکاری وجود دارد

جواب می‌دهد.

وی اعلام کرد: در کنفرانس سال گذشته روسیه با اروپا طرفین مسائلی چون توسعه پایدار روسیه، سرمایه‌گذاری‌ها در روسیه، ارتباط سیستم‌های برق و توسعه خطوط لوله صادراتی گاز را مورد بحث قرار دادند که در نتیجه یک مرکز در سن پترزبورگ برای تحقق طرح‌های مورد بحث ایجاد می‌شود. البته طرح‌هایی در زمینه صرفه‌جویی انرژی و تکنولوژی‌های جدید انرژی، نیز در دست اجرا است.

وی خاطر نشان ساخت که در مذاکرات آتی روسیه با اروپا در زمینه سیاست‌های بلند مدت انرژی بحث و تبادل نظر خواهد شد. موضوع مهم دیگر قراردادهای بلند مدت فروش گاز شرکت Gazprom به اروپا است. زیرا برخی از کشورها، نظیر ایتالیا می‌خواهند گاز روسیه را در بازار اروپا مجدداً به فروش برسانند که این اقدام با برنامه‌های قبلی در تضاد است.

Avestisyan معتقد بود به دلیل محدودیت‌های کنونی دسترسی به بازارها برای روسیه بسیار حائز اهمیت است (البته در ظاهر مصرف‌کنندگان مدعی هستند هیچ محدودیتی وجود ندارد اما در واقع تنوع در منابع تأمین انرژی مد نظر است).

معاون نماینده ویژه فدراسیون روسیه در اتحادیه اروپایی در ادامه سخنانش گفت: صادرات انرژی اتمی به اروپا از مسائل مورد علاقه روسیه است که اروپا زیر بار آن نمی‌رود و از طرف دیگر، اروپا مصرأ از روسیه می‌خواهد

که عضویت در منشور انرژی (Charter Treaty Energy) را بپذیرد اما مجلس دومای روسیه در این مورد تردید دارد.

وی در خاتمه اعلام کرد که ایده اتصال ذخیره‌سازی‌های نفت و گاز روسیه با اروپا نیز از جمله طرح‌های مورد بحث است. زکی یمانی پس از خاتمه مطالب معاون نماینده ویژه فدراسیون روسیه در اتحادیه اروپایی اظهار امیدواری کرد که سایر تولیدکنندگان نفت و گاز نیز از روسیه بیاموزند چگونه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند.

سخنران بعدی Navmkin Vitaly رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک و مطالعات بین‌المللی روسیه بود که در ابتدا نسبت به تحقق سناریوی قیمت‌های پایین نفت ابراز تردید کرد زیرا به عقیده وی آمریکا هم اکنون به دنبال قیمت‌های پایین نفت نیست. از طرف دیگر پس از تغییر رئیس جمهوری آمریکا، برنامه‌های انرژی دولت کنونی به ارتباطات جدید انرژی دو کشور آمریکا و روسیه کمک کرده است؛ اما به هر حال کارهای زیادی باید انجام شود تا ارتباطات انرژی پیش‌بینی شده، محقق شود. البته هنوز معلوم نیست آمریکا حاضر شود به دلایل استراتژیک نفت روسیه را جایگزین سایر مناطق (بجز خلیج فارس) نظیر آنگولا کند. وی اعلام کرد: روسیه نمی‌تواند مانند اوپک در ارائه آمار تولید تقلب کند، زیرا نیمی از تولید نفت در داخل روسیه مصرف می‌شود البته کسی نمی‌داند پوتین (رئیس جمهوری روسیه) به دنبال چیست؛ اما به نظر او می‌خواهد روسیه را مدرنیزه کند پس در نتیجه با هدف آزادسازی، مجالس روسیه را برای تغییر قوانین تحت فشار قرار خواهند گذاشت تا قوانین انعطاف‌پذیری را تصویب کنند. نکته حائز اهمیت این که عمده نفت و گاز صادراتی روسیه به اروپا می‌رود، در حالی که بیشتر رشد تقاضا در آسیای جنوب شرقی است که البته پروژه‌های ساخالیین تا حدودی این قضیه را جبران می‌کند.

وی در خاتمه اعلام کرد: با وجود ناخشنودی روسیه از طرح خط لوله باکو - جیحان، ممکن است روسیه ترجیح دهد به دلیل محدودیت عبور نفت‌کش‌ها از تنگه بسفر بار عبور نفت آذربایجان به خط لوله باکو - جیحان منتقل شود.

تکین کارشناس CGES در انتهای کار این کمیته دو نکته را به شرح ذیل یادآوری کرد.

اصولاً سیاست نباید در پروژه‌های نفت و گاز دخالت داشته باشد؛ اما واقعیت غیر از این است. به هر حال دخالت‌های سیاسی کوتاه مدت است در حالی که طرح‌های انرژی بلند مدت هستند. زمانی که روسیه گاز خود را به اروپا منتقل می‌کرد، آمریکا اروپایی‌ها را تحت فشار قرارداد تا از خرید گاز روسیه استقبال نکنند. نکته دیگر این که به دلیل زیر ساخت‌های موجود در روسیه و متحد بودن سایر جمهوری‌ها با روسیه، سهم روسیه در طرح‌های منطقه خزر بیشتر از دیگران خواهد بود.

همچنین در مورد ایمنی انرژی اتمی روسیه سؤال شد که در پاسخ اعلام گردید: انرژی اتمی روسیه تحت نظارت سازمان بین‌المللی انرژی اتمی باید امکان رقابت در بازار آزاد را داشته باشد.

پس از تنفس، کمیته انرژی و اقتصاد کار خود را با سخنرانی David Dyker استاد دانشگاه Sussex آغاز کرد. وی معتقد بود وضعیت روسیه همانند ژاپن است که قبل از دهه پنجاه ایزوله شده بود، اما ژاپن پس از خروج از این وضعیت مراحل رشد و ترقی را پیمود. روسیه هم اکنون از رابطه با اروپا راضی است. البته رابطه اروپا با روسیه براساس مقررات ضد بازار شکنی (ضد دامپینگ) است. روسیه مدت‌ها است که درخواست عضویت در سازمان تجارت جهانی را دارد، اما از جمله دلایل عدم پذیرش روسیه در این سازمان قیمت‌های داخلی انرژی و حمایت دولت از صنایع داخلی و بخش کشاورزی است. به هر حال هم اکنون روسیه خارج از سیستم سازمان تجارت جهانی بوده و بسیار بعید است تا قبل از سال ۲۰۰۷ پذیرفته شود.

با توجه به قیمت‌های بالای نفت و گاز در سال‌های اخیر، متوسط رشد اقتصادی روسیه بیش از ۵ درصد در سال‌های اخیر بوده است. اما بتدریج این رشد کاهش خواهد یافت، البته رشد ۴-۵ درصدی برای کشوری با رشد سرانه ۲۰۰۰ دلار در سال رشد سریعی نیست. به طور کلی در کوتاه مدت وضعیت اقتصادی روسیه نسبتاً مناسب است، اما در بلند مدت مشکلات پیش روی روسیه بیش از پیش خودنمایی خواهند کرد. روسیه برای رسیدن به شرایط مطلوب، باید از رشد ۱۰ درصدی برخوردار باشد.

سخنران بعدی Stephen O'Sullivan رئیس بخش تحقیقات UFG مسکو بود که در مورد ساختار صنایع روسیه سخنرانی کرد. وی تاریخچه صنعت نفت روسیه را به شرح زیر بیان

صادرات انرژی اتمی به اروپا از مسائل مورد علاقه روسیه است که اروپا زیر بار آن نمی‌رود و از طرف دیگر، اروپا مصراً از روسیه می‌خواهد که عضویت در منشور انرژی (Energy Charter Treaty)

را بپذیرد اما مجلس دومای روسیه در این مورد تردید دارد

کرد.
- در سال ۱۹۵۳ مخازن سیبری غربی کشف شد و به دنبال آن وزارتخانه‌های نفت و گاز به وجود آمد.

- در سال ۱۹۶۸ به دنبال سقوط قیمت‌های نفت اصلاحات سخت‌گیرانه اقتصادی احساس شد.
- در سال ۱۹۹۰ جمهوری‌های مستقل شوروی جدا شدند.

- در سال ۱۹۹۱ شرکت‌های Rosneftegaz و Lukoil به وجود آمدند و در سال ۱۹۹۳ شرکت‌های Yukos و Surgutneftegaz ایجاد شد.

- در سال ۱۹۹۴ خصوصی‌سازی در ابعاد وسیع آغاز شد و در سال ۱۹۹۵ خصوصی‌سازی به صنعت نفت نیز سرایت کرد.

- در سال ۱۹۹۶ تولید نفت نسبت به سال ۱۹۸۸ به میزان ۵۰ درصد کاهش یافت اما از سال ۱۹۹۸ روند صعودی مجدداً آغاز شد.

- در سال ۱۹۹۷ استراتژی سرمایه‌گذاری خارجی تدوین شد و به دنبال آن سهم دولت در شرکت‌های Gazprom و Itera به ۵۵-۵۱ درصد تنزل کرد. همچنین سهم دولت در شرکت Lukoil نیز کاهش یافت.

شرکت Arco ۷ درصد از سهام Lukoil - شرکت Sidanco ۲۵ درصد از سهام - شرکت ۵Ruhrgas درصد از سهام Gazprom را در اختیار دارند و شرکت شل (Shell) به صورت شریک استراتژیک Gazprom درآمده است.

وی در خاتمه پیش‌بینی کرد شرکت‌های نفت و گاز روسیه در بازار جهانی انرژی از رشد خوبی در آینده برخوردار شوند.

سخنران بعدی Leonid Gregoriov مشاور عالی وزیر انرژی روسیه بود که در مورد چشم‌انداز تقاضای نفت و روسیه مطالبی ایراد کرد.

وی معتقد بود جمعیت روسیه با رشد منفی مواجه است، به گونه‌ای که در سال‌های آتی ۱۲-۱۰ میلیون نفر از جمعیت روسیه کاسته خواهد شد. به طور کلی اقتصاد روسیه بیمار است (بیماری هلندی) تورم به طور متوسط ۱۵ درصد است و مردم معمولاً فقیر هستند. قیمت گاز و برق در دو سال اخیر به طور چشمگیری افزایش یافت (توسط پارلمان)، اما به نظر می‌رسد برق هنوز ارزان است. ترافیک در مسکو بدتر از لندن است، اما بعید است مصرف بنزین رشد چشمگیری داشته باشد و به طور کلی مصرف فرآورده‌های نفتی رشد قابل توجهی نخواهد داشت. صنایع نفت تا حدودی خصوصی می‌شوند. شرکت‌های آمریکایی و انگلیسی در بخش بالادستی حضور پیدا می‌کنند. زغال‌سنگ خصوصی می‌شود و در مجموع نفت و گاز برای روسیه درآمد خوبی به ارمغان می‌آورد، اما در اشتغال نقش مؤثری ندارد.

قیمت گاز هنوز هم پایین است، اما افزایش آن مشکلات اجتماعی ایجاد می‌کند. البته در افزایش کارایی سیستم‌ها، بویژه در نیروگاه‌ها کارهای زیادی می‌توان انجام داد.

وی متوسط رشد اقتصادی روسیه در ۲۰ سال آینده را ۴ درصد پیش‌بینی کرد. تولید نفت در سال ۲۰۰۰ میلادی ۳۲۳ میلیون تن بود که با طی روند افزایشی به ۴۱۰ الی ۵۱۰ میلیون تن خواهد رسید. اما در سال ۲۰۲۰ به ۴۴۷-۳۲۱ میلیون تعدیل خواهد شد. سهم نفت در تولید انرژی در سال ۲۰۲۰ در دو سناریو ۲۸/۷ و ۳۳/۳ درصد خواهد بود.

صادرات نفت در سال ۲۰۰۲ میلادی ۱۸۸ میلیون تن است که در سال‌های آتی در دو سناریو بررسی شده است که بر این اساس در سال ۲۰۰۵ به ۲۳۸/۸-۱۹۹/۲ میلیون تن و در سال ۲۰۱۰ به ۲۷۲/۸-۱۶۴/۶ میلیون تن و در سال ۲۰۲۰ به ۲۱۷/۹-۱۱۳/۸ میلیون تن خواهد رسید.

سخنران بعدی Frank Duffield معاون مدیر بخش اروپایی مرکزی و شرقی، روسیه و آسیای میانه شرکت شل بود که در مورد چشم‌انداز صادرات گاز روسیه به اروپا مطالبی را ارائه کرد.

Duffield معتقد بود اروپا در انتهای دهه

کنونی نیازمند واردات جدید گاز خواهد بود، اما نکته اساسی این است که این گاز از کجا باید تأمین شود. به عقیده وی بیش از ۳۰ درصد از گاز جهان در خاورمیانه است و به نظر می‌رسد خاورمیانه و روسیه بزرگترین منابع تأمین‌کنندگان گاز اروپا در آینده باشند. البته کشورهای صادرکننده گاز قبل از کسب درآمد باید سرمایه‌گذاری عظیمی در بخش گاز انجام دهند. بدیهی است سرمایه‌گذاری خارجی نیازمند ثبات سیاسی و حقوقی است. به اعتقاد معاون شرکت شل، روسیه به منظور برخورداری از همکاری‌های گسترده اروپا، باید وارد منشور انرژی (Energy Charter Treaty) شود و به طور کلی ریسک‌ها باید در روسیه کاهش یابد. و گاز را یک موضوع مهم در قرن ۲۱ دانست به گونه‌ای که تقاضای گاز در سال ۲۰۲۰ از نفت پیشی خواهد گرفت.

وی افزود: اما به هر حال زمان برای اروپا به سرعت سپری می‌شود به گونه‌ای که بتدریج اروپا به کمبود زمان برای تأمین نیازهای آتی گاز مواجه می‌شود، زیرا عرضه جدید گاز از سال ۲۰۰۸ باید به اروپا صورت گیرد، در حالی که عرضه جدید گاز از روسیه به حدود ۶ سال زمان نیازمند است. از طرف دیگر مناطق عمده مصرف یعنی امریکای شمالی و آسیا نیز نیازمند عرضه جدید گاز از عرضه‌کنندگان عمده در خاورمیانه و روسیه هستند. البته روسیه در راستای متنوع کردن بازارهای خود به بازار چین و بازارهای LNG خاوردرور چشم دوخته است.

در خاتمه در پاسخ به نکته‌ای در خصوص اختلافات قیمت گاز خرده‌فروشی اروپا با قیمت خریداری شده از Gazprom، اعلام شد که قیمت گازی که اروپا به روسیه می‌پردازد، بالاتر از قیمت گاز داخلی روسیه نیست. در حالی که مصرف‌کنندگان اروپایی به مراتب قیمت بالاتری را می‌پردازند که این نکته نشان می‌دهد بخش اعظم بهای خرده‌فروشی گاز در اروپا را مالیات تشکیل می‌دهد.

همچنین در موارد افزایش کارایی در صنعت نفت روسیه و احتمال جایگزینی منابع دیگر به جای نفت گفته شد که به جای تجدید ساختار یک بخش، بهتر است کلیه بخش‌ها با هماهنگی تجدید ساختار شوند.

روز دوم

نخستین سخنران روز دوم سمپوزیوم، Julian lee کارشناس ارشد مرکز مطالعات جهانی

اصولاً سیاست نباید در پروژه‌های نفت و گاز دخالت داشته باشد؛

اما واقعیت غیر از این است. به هر حال دخالت‌های سیاسی کوتاه مدت است در حالی که طرح‌های انرژی بلند مدت هستند

انرژی (CGES) بود که تحت عنوان گذشته، حال و آینده صنعت نفت روسیه مطالبی را ارائه کرد. وی که مسؤولیت مطالعات منطقه FSU را در این مرکز عهده‌دار است، اعلام کرد بزودی مطالعه چشم‌انداز نفت روسیه در اوایل سال آینده منتشر خواهد شد. وی معتقد بود قیمت‌های بالای نفت این امکان را برای شرکت‌های روسی فراهم کرد که برای افزایش تولید، سرمایه‌گذاری کنند؛ اما سؤال عمده این است که آیا رشد تولید روسیه تا چه سطح قابل تداوم است؟ البته ورود شرکت‌های غربی شرایط را تا حدودی دگرگون ساخته است و به نظر می‌رسد شرکت‌های غربی در ورود به صنعت نفت روسیه مشتاق‌تر بودند تا شرکت‌های روسی در پذیرش آنها.

به گفته lee اوج تولید روسیه در سال ۱۹۸۶ بود که با دستیابی به سقف تولید ۵۶۰ میلیون تن (۱۱/۲ میلیون بشکه در روز) این کشور بزرگترین تولیدکننده نفت جهان شد به هر حال دستیابی به هدف تولیدی بلند پروازانه باعث صدمه دیدن سلامت مخازن نفتی شد و تولید روسیه در دهه ۱۹۹۰ به ۶ میلیون بشکه در روز سقوط کرد اما در دو سال اخیر رشد تولید روسیه قابل توجه بوده است؛ سؤال اصلی این است که این رشد تا چه سطحی تداوم خواهد داشت. توجه صنعت روسیه عمدتاً به منطقه Tyumen در استان سبیری غربی بوده، اما مناطق Tyumen و Volga-Urals و Norht Caucasus و Northern Sakhalin نیز در تولید این کشور مشارکت داشته‌اند البته در افزایش تولید نقش اصلی را حفاری و توسعه به عهده داشته و اکتشاف نقش کمی در روند افزایش داشته است. متوسط تولید هر چاه نفت در منطقه FSU در دهه هفتاد حدود ۲۲ تن در روز بود (۱۵۴

بشکه) که این مقدار در اوایل دهه ۱۹۹۰ به ۸ تن (۵۸ بشکه) سقوط کرد. در اوایل دهه ۱۹۹۰ بیش از ۸۰ درصد مایع استخراج شده در روسیه را آب تشکیل می‌داد حتی در برخی از موارد (مخازن قدیمی) در سبیری غربی این رقم به ۹۵ درصد نیز رسید. در واقع بسیاری از مخازن بزرگ نفت روسیه به میزان قابل توجهی تخلیه شده‌اند (Samotlor به میزان ۶۵ درصد و Romaskino به میزان ۸۵ درصد). اولین نشانه‌های بهبود روند تولید روسیه در سال ۱۹۹۸ مشاهده شد، یعنی زمانی که قیمت‌ها سقوط کرده بودند.

البته بهبود قیمت‌های نفت به واحد بهبودی تولید روسیه کمک شایانی کرد، اما به طور کلی روسیه به طور سنتی کمتر از قیمت‌های نفت متأثر است. در سال‌های اخیر تولید روسیه رشد قابل توجهی داشته، اما در این افزایش، نقش قراردادهای مشارکت در تولید و نقش شرکت‌های خارجی (به طور مستقل) اندک بوده و اغلب شرکت‌هایی که به طور عمودی ادغام شده‌اند در افزایش تولید نفت مؤثر بوده‌اند. بالاترین ارقام افزایش تولید از جانب شرکت‌های روسی Yukos و Sibneft و Surgutneftegaz بوده است.

وی در ادامه افزود: تولید نفت روسیه در سال ۲۰۰۲ توسط CGES به میزان ۷/۴۱ میلیون بشکه در روز برآورد شده بود که اخیراً این رقم به ۷/۵ میلیون بشکه در روز تعدیل شد. به طور کلی تولید روسیه در نیمه اول سال جاری با نرخ ۹ درصد رشد کرد، اما نکته قابل توجه اینکه، عمر این افزایش‌ها کوتاه خواهد بود (۴-۳ سال) مگر آن که با توسعه مخازن جدید نفت در فلات قاره افت تولید از مخازن قدیمی جبران شود. تجربه نشان داده که کاربرد تکنولوژی جدید همانند دریای شمال منجر به افزایش تولید خواهد شد اما در یک برهه زمانی محدود.

Lee اضافه کرد: شرکت روسی لوک اوایل در نظر دارد تولید را تا انتهای قرن کنونی ۶۰-۵۰ درصد افزایش دهد. به طور کلی تولید روسیه تا انتهای قرن کنونی به ۹ میلیون بشکه در روز قابل افزایش است، البته مشروط به توسعه مخازن جدید Timan-Pechora، شمال خزر، غرب و شرق سبیری. اما تولید عمده نفت روسیه کماکان به منطقه سبیری وابسته خواهد بود. این در حالی است که شرکت‌های روسی مایل به دسترسی سرمایه شرکت‌های غربی با شرایط سهل و سوده‌ای ناچیزند که این موضوع در تأمین مالی طرح‌های توسعه‌ای آتی نقش مهمی

خواهد داشت.

از طرف دیگر روسیه مایل به دسترسی بازار جدید (امریکا و آسیا) جهت فروش نفت خود است تا این بازارها به عنوان مکمل بازار کنونی یعنی اروپا عمل کنند.

سخنران بعدی Jacek Gawron رئیس اداره مسکو و معاون بخش اوراسیای شرکت هالیبرتون بود که در مورد تحولات صنعت نفت روسیه مطالبی را ایراد کرد. وی معتقد بود این تحولات در بخش‌های مختلف بالادستی (حفاری - شبیه‌سازی - اکتشاف ...) با حمایت شرکت‌های غربی صورت گرفته است. به عنوان یک کار اصولی، کارکرد براساس اصول اقتصادی در سرلوحه کارها قرار گرفته است. روس‌ها بیشتر در بخش‌های تولید حضور دارند؛ اما در اکتشاف، بخش‌های تأمین‌کننده مالی حضوری فعال دارند. آموزش نیروهای روسی نیز با جدیت دنبال می‌شود. در افزایش تولید، نقش تکنولوژی ۵۵ درصد و نقش کارایی تجاری ۴۵ درصد بوده است.

وی در خصوص فعالیت شرکت هالیبرتون گفت: از سال ۱۹۹۸ شرکت هالیبرتون کار خود را در روسیه آغاز کرد. سیبری که بزرگترین میدان نفتی روسیه در آنجاست در زمان اوج تولید حدود ۷ میلیون بشکه در روز تولید می‌کرد، اما به دلیل سوء مدیریت، تولید آن سقوط کرد؛ به طوری که افت سالانه آن ۱۵/۷۵ درصد بود، اما در سال ۲۰۰۱ تولید آن ۲۸ درصد افزایش یافت. آخرین سخنران این کمیته که بررسی پتانسیل تولید روسیه نامگذاری شده بود، Ray Leonard معاون بخش اکتشاف شرکت روسی یوکوس بود که در مورد وضعیت مخازن روسیه مطالبی را ارائه کرد. وی معتقد بود که آمار مخازن روسیه که عمدتاً در نشریات به آن استناد می‌شود ۴۰-۵۰ میلیارد بشکه است در حالی که اگر ارقام مخازن نفت کلیه شرکت‌های داخلی و خارجی را با هم جمع کنیم، به رقم بیش از یکصد میلیارد بشکه خواهیم رسید. البته در مورد ارقام ذخایر نفت در گذشته مواردی بود که برخی از تولیدکنندگان نفت (تولیدکنندگان نفت اوپک) یک شبه رقم مخازن خود را دو برابر کرده‌اند. در سال‌های اخیر تولید نفت روسیه با نرخ ۲۰ درصد رشد کرده است و با این روند تولید روسیه تا سال ۲۰۱۰ به ۹ میلیون بشکه در روز خواهد رسید (EIA مخازن روسیه را ۴۰ میلیارد بشکه برآورد کرده است). به گفته وی هزینه تولید قبلاً ۷-۹ دلار در

در کوتاه مدت وضعیت اقتصادی روسیه نسبتاً مناسب است،

اما در بلند مدت مشکلات پیش روی روسیه بیش از پیش خودنمایی خواهند کرد.

روسیه برای رسیدن به شرایط مطلوب، باید از رشد ۱۰ درصدی برخودار باشد

بشکه بود، اما هم اکنون هزینه تولید شرکت یوکوس ۳-۴ دلار در بشکه (همانند خلیج فارس) است که با هزینه تولید ۴ دلار در بشکه اوپک قابل مقایسه است. البته هزینه تولید برای مخزن بزرگی همچون سیبری غربی پایین‌تر خواهد بود. وی گفت: در اجلاس اخیر اوپک در این مورد که روسیه در حال کسب سهم بازار است بحث شده در حالی که تولید روسیه در سال ۱۹۸۰ حدود ۱۲-۱۱ میلیون بشکه در روز بود و پس از آن در دهه ۱۹۹۰ سالیانه با نرخ ۱۰ درصد کاهش یافت. بنابراین کشورهای روسیه و آسیای مرکزی، بخشی از سهم بازار خود را از دست داده و در دهه ۱۹۹۰ هیچ گونه سهمی را کسب نکردند.

Leonard در مورد بازارهای جدید برای نفت روسیه اظهار داشت که سواحل شرقی و غربی امریکا می‌تواند پذیرای نفت روسیه باشد. همچنین نفت روسیه در مهمترین بازار رو به رشد که بازار آسیا است از دو طریق خط لوله نفت روسیه به چین و خط لوله ساخالین - خاور دور می‌تواند حضور پیدا کند.

به طور کلی وی معتقد بود برای افزایش تولید نفت جهان سه پتانسیل وجود دارد:

- ۱- روسیه و آسیای میانه
- ۲- خاورمیانه
- ۳- آب‌های عمیق

معاون بخش اوراسیای شرکت هالیبرتون، ذخیره نفتی سیبری روسیه را با در نظر گرفتن احتمالات و ضرایب مختلف ۶۰ میلیارد بشکه اعلام کرد که بخش تولیدی از هفت منطقه

تشکیل شده که ذخیره هر یک از دریای شمال و خلیج مکزیک بیشتر است. وی پیش‌بینی کرد تا سال ۲۰۱۰ حدود ۲ میلیون بشکه در روز نفت روسیه و آسیای میانه به بازار امریکا و آسیای جنوب شرقی خواهد رفت. در مجموع به اعتقاد وی، روسیه از ۱۰۰ میلیارد بشکه نفت بهره‌مند است و تولید کنونی روسیه و خیزر از ۹ به ۱۴ میلیون بشکه خواهد رسید البته موقعیت روسیه در گازفوقی‌تر از نفت است.

وی در پاسخ به پرسشی که تکین از وی در مورد نقش سرویس کمپانی‌ها در توسعه مناطق جدید و احتمال سرمایه‌گذاری آنان پرسیده بود، اعلام کرد که هم اکنون روسیه با این گونه شرکت‌ها همکاری بیشتری دارد و این شرکت‌ها نقش اصلی را در افزایش تولید اخیر روسیه ایفا کرده‌اند. (البته سرمایه‌گذاری‌ها عمدتاً توسط شرکت‌های بزرگ نفتی صورت می‌گیرد).

کمیته بعدی به نام کمیته بررسی پتانسیل گاز روسیه و بازارهای آن نامگذاری شده بود که اولین سخنران آن Jonathan Strern محقق مستقل و مشاور با سابقه در مسائل گاز بود که پیرامون صنعت گاز روسیه مطالبی را ارائه کرد.

وی معتقد بود نقطه آغازین مشکلات، قیمت‌گذاری داخلی گاز روسیه است، زیرا هزینه تولید (براساس جمع‌بندی نظرات مختلف) با در نظر گرفتن تولید کنونی و امکانات حمل و نقل (تحویل در مسکو) حدود ۳۵ دلار در هر میلیون متر مکعب است در حالی که قیمت گاز داخلی با افزایش در سال ۲۰۰۲ به ۲۰ دلار در هر میلیون متر مکعب رسیده است (حدود یک دلار در هر میلیون BTU) البته رقم یاد شده برای صنایع است در حالی که قیمت بخش خانگی ۱۳ دلار است. شرکت گازپروم روسیه ۳۱۸ میلیارد متر مکعب گاز در سال ۲۰۰۱ به بازار داخلی عرضه کرده که قابل مقایسه با کل تقاضای گاز اروپا به میزان ۵۰۰ میلیارد متر مکعب است (صادرات روسیه به اروپا ۱۲۷ میلیارد متر مکعب بوده است) قابل توجه این که قیمت‌های صادراتی گاز روسیه حدود ۹۰ دلار در هر میلیون متر مکعب است، اما اختلاف قیمت‌های صادراتی و داخلی به نظر چشمگیر است. در حالی که اگر هزینه‌های صادرات گاز از قیمت صادراتی کم شود، اختلاف قیمت در حد زیادی نخواهد بود. البته با افزایش پی در پی قیمت‌های داخلی، این اختلاف بیش از پیش کاهش خواهد یافت؛ اما اگر قیمت‌های صادراتی و داخلی بیش از حد به یکدیگر نزدیک شوند، انگیزه صادرات کاهش خواهد یافت. البته

افزایش بی‌رویه قیمت گاز در بخش خانگی به دلایل سیاسی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا شرکت گازپروم توسط رئیس جمهوری روسیه کنترل می‌شود و رئیس جمهوری در برهه انتخابات ناچار است وعده‌هایی به مردم بدهد؛ حال سؤال اصلی این است که آیا بازار کافی برای توسعه مخازن عظیم گازی روسیه وجود دارد؟ پاسخ این سؤال به نظر مثبت نیست؛ از این رو بهتر است در توسعه مخازن دور افتاده، بازارهای داخلی مد نظر قرار گیرد.

به اعتقاد وی ایده تحقق طرح‌های بزرگ صادرات گاز نظیر پروژه افغانستان - پاکستان، ژاپن، چین و هند در ده سال آینده بعید به نظر می‌رسد از این رو ترکمنستان بهتر است برای دستیابی به درآمد سریع، فروش گاز به همسایگان نزدیک خود را مدنظر قرار دهد. در بحث درآمدهای صادراتی گاز، سناریوی خوب آن است که قیمت‌های صادراتی اگر کاهش یابد، قیمت‌های داخلی قابل افزایش باشد. اما سناریوی نامناسب آن است که قیمت‌های صادراتی کاهش یابد اما امکان افزایش قیمت‌های داخلی نیز وجود نداشته باشد.

این محقق گاز متذکر شد: در طول سه سال گذشته قیمت داخلی گاز در روسیه دو برابر شده است البته دولت متعهد شده که تا سال ۲۰۰۵ قیمت داخلی را در سطحی بیش از نرخ تورم سالانه افزایش دهد. به طور کلی سیاست دولت آن است که تا سال ۲۰۰۵ قیمت گاز برای مصارف صنعتی و خانگی در سطحی پایین‌تر از نقطه سربه سر (هزینه مخازن جدید در مجموعه تولید در نظر گرفته می‌شود) قرار داشته باشد و پس از آن با افزایش قیمت داخلی سطح این قیمت‌ها تا سال ۲۰۰۷ بالاتر از قیمت صادراتی باشد. پیش‌بینی می‌شود قیمت صادراتی گاز روسیه در اروپا از ۱۴-۱۳ دلار در هر میلیون متر مکعب در سال ۲۰۰۰ به ۵۵-۴۸ دلار در سال ۲۰۱۰ برسد که در این صورت قیمت گاز در سبیری نیز از ۱۱-۱۰ دلار در سال ۲۰۰۰ به ۴۵-۴۰ دلار در سال ۲۰۱۰ خواهد رسید. همچنین پیش‌بینی می‌شود تقاضای گاز داخلی به دلیل افزایش قیمت و تبعات آن که صرفه‌جویی و افزایش کارایی است، کاهش یابد.

سخنران بعدی Xiaojie-Xu محقق ارشد موسسه BOODC چین بود که در مورد موضوع صادرات گاز روسیه به آسیا سخنرانی کرد. به عقیده وی واردات گاز از روسیه برای چین یک اقدام استراتژیک است، زیرا چین بشدت به منابع

اروپا در انتهای دهه کنونی نیازمند واردات جدید گاز خواهد بود اما نکته اساسی این است که این گاز از کجا باید تأمین شود. بیش از ۳۰ درصد گاز جهان در منطقه خاورمیانه قرار دارد و به نظر می‌رسد خاورمیانه و روسیه بزرگترین تأمین‌کنندگان گاز اروپا در آینده باشند

نفت خلیج فارس وابسته است (حتی بیشتر از کشورهای غربی) و علاوه بر آن قیمت‌گذاری نیز به گونه‌ای است که نفت خام را ۲-۱ دلار در بشکه گران‌تر خریداری می‌کند. از این رو چین و سایر کشورهای عمده مصرف‌کننده نظیر ژاپن و کره جنوبی در صدد کاهش وابستگی خود به منطقه خلیج فارس هستند. از این رو از طرح کریدور انرژی غرب به شرق و از جمله خط لوله گاز روسیه به چین استقبال می‌کنند. کشورهای آسیای جنوب شرقی نه تنها از این گونه طرح‌ها حمایت می‌کنند، بلکه آمادگی دارند تضمین‌هایی هم در این مورد بدهند. به طور کلی این طرح‌ها نوعی همکاری استراتژیک ما بین روسیه با کشورهای کره جنوبی، ژاپن و چین است که منافع طرف‌های ذریبط را نیز تأمین می‌کند اما به هر حال چین و روسیه دو بازیگر اصلی در این مورد هستند.

نخستین سخنران بعد از ظهر روز دوم Leo Drollas معاون مدیر مرکز مطالعات جهانی انرژی (CGES) بود که در خصوص پتانسیل روسیه در بازار نفت مطالبی به اجلاس ارائه کرد. وی معتقد بود در قیمت بالاتر از ۱۵ دلار در بشکه تولید غیر اوپک افزایش می‌یابد و البته کشورهای عضو اوپک سعی دارند قیمت‌های نفت را در سطح ۲۵ دلار در بشکه حفظ کند، اما در داخل اوپک نیز اهداف قیمتی اعضا متفاوت است به عنوان مثال عربستان خواهان قیمت ۲۵ دلار در بشکه است در حالی که ونزوئلا به قیمت‌های بیش از آن (۲۹ دلار) تمایل دارد.

وی افزود: هم اکنون اوپک با ۸۲ درصد ظرفیت خود، تولید می‌کند. چنانچه اصرار اوپک به حفظ ۲۵ دلار ادامه یابد، این سازمان مجبور خواهد شد ظرفیت تولید خود را به ۶۱ درصد تقلیل دهد. البته اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) افزایش سالانه تقاضا را ۲/۲ درصد پیش‌بینی کرده که این پدیده در نوع خود بی‌سابقه است.

وی با ارائه مقایسه‌ای در مورد مصرف سرانه کشورهای مختلف نشان داد که مصرف سرانه آمریکا در دهه ۱۹۷۰ به میزان ۲۷ بشکه بود که در سال ۲۰۰۰ به ۲۴ بشکه تقلیل یافته است، اما مصرف سرانه چین در دهه‌های اخیر تغییر نکرده و کماکان یک بشکه است. پیش‌بینی می‌شود مصرف سرانه آسیا از ۲/۵ بشکه در سال ۲۰۰۰ به ۳/۵ بشکه افزایش یابد، اما در اروپا بالعکس مصرف سرانه کاهش یافته و از ۹/۱ به ۷/۸ بشکه در سال‌های آینده خواهد رسید. اگر قیمت نفت افزایش یابد نقش GTL مهمتر خواهد شد. هم اکنون نیز نقش GTL قابل توجه است اما هنوز رقیبی برای LNG نیست.

به گفته محقق ارشد این مؤسسه، مناطق عمده که به طور خالص صادرکننده نفت هستند خاورمیانه و جمهوری‌های تازه استقلال یافته (گروه FSU) بوده و در مقابل آمریکا و آسیای دور به طور خالص واردکننده نفت هستند. بازار اصلی صادرات روسیه و جمهوری‌های تازه استقلال یافته، اروپا است در حالی که بازار اصلی خاورمیانه، آسیا و خاور دور است. در سال ۲۰۲۰ میلادی تجارت نفت به گونه‌ای خواهد بود که کشورهای FSU حدود شش میلیون بشکه در روز صادرات خواهند داشت که ۲/۹ میلیون بشکه در روز آن به آمریکا خواهد رفت. همچنین صادرات آمریکای لاتین به ۳/۸ میلیون بشکه در روز خواهد رسید که عمده آن به بازار آمریکا سرازیر خواهد شد. به هر حال احتمال این که وابستگی آمریکا از خاورمیانه کاهش یابد وجود دارد اما این اقدام بسیار پرهزینه خواهد بود. به عنوان مثال برای صادرات ۵۰ میلیون تن نفت به آمریکا مبلغی در حدود ۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در بخش نفت‌کش‌ها نیاز خواهد بود.

سخنران بعدی Eugene Kharturov مدیر مرکز بین‌المللی مطالعات تجاری نفت مسکو در مورد طرح‌ها و مشکلات ساختاری صادرات نفت روسیه بود. وی ابتدا تصویری از صادرات نفت شوروی سابق در اواخر دهه هشتاد را ارائه

کرد که در آن برهه شوروی ۲/۹۸ میلیون بشکه در روز نفت صادر می‌کرد که عمده آن نفت اورال بود که مخلوطی از نفت خام‌های مختلف بود (۳۲ درجه API و محتوای ۱/۸ درصد گوگرد). این نفت خام از یک سو با خط لوله به اروپای شرقی و از سوی دیگر به بنادر صادراتی شوروی (Novorossiysk و Odessa و Tuapse) در دریای سیاه و Ventspil در دریای بالتیک ارسال می‌شد. مقدار کمی از نفت خام نیز با قطار به چین و خاور دور صادر می‌شد.

وی ادامه داد: پس از فروپاشی شوروی دیگر امکان کنترل خطوط لوله خارج از کشور در لهستان - اسلواکی، بلغارستان و اوکراین برای روسیه امکان‌پذیر نیست. پس از فروپاشی صادرات نفت خام از ۳/۵ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۱ به ۲/۵ میلیون بشکه در روز و متعاقب آن به میزان کمتری نیز کاهش یافت. البته درآمدهای نفتی (نه به میزان کشورهای عضو اوپک) نقش مهمی در اقتصاد روسیه ایفا می‌کنند به گونه‌ای که در سال گذشته صادرات نفت خام و فرآورده‌های نفتی ثلث درآمدهای صادراتی روسیه را تشکیل می‌داد. همچنین ۱۰ درصد رشد تولید داخلی از محل درآمدهای نفتی است. براساس پیش‌بینی وزارت انرژی روسیه ظرفیت صادرات نفت روسیه به ۵ میلیون بشکه در روز تا سال ۲۰۰۵ و به ۶/۷ میلیون بشکه تا سال ۲۰۱۰ افزایش خواهد یافت. صادرات نفت روسیه به خارج از منطقه FSU در سال ۲۰۰۵ میلادی به ۳/۸-۴ میلیون بشکه در روز و در سال ۲۰۱۰ به ۵/۳-۵/۱ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد یافت که با صادرات سال گذشته به میزان ۲/۷ میلیون بشکه در روز قابل مقایسه است. تولید نفت روسیه نیز در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۲۰ به ترتیب به ۸/۳ و بیش از ۹ میلیون بشکه در روز خواهد رسید.

مدیر مرکز بین‌المللی مطالعات تجاری نفت مسکو تصریح کرد: همکاری روسیه با اوپک بسیار مشکل است، زیرا خصوصی‌سازی در صنعت نفت گسترش یافته و شرکت‌های روسی با هدف کسب درآمد و سود با حداکثر توان به تولید نفت مبادرت می‌کنند. در این راستا ظرفیت‌های صادراتی نیز به سرعت افزایش خواهد یافت به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۰ ظرفیت صادراتی روسیه به اروپای شرقی - مدیترانه و بالتیک به ترتیب ۱/۵۴، ۲/۲۸ و ۱/۰۴ میلیون بشکه در روز خواهد بود. همچنین پیش‌بینی شده که روزانه حدود یک میلیون بشکه

در سال‌های اخیر تولید روسیه رشد قابل توجهی داشته، اما در این افزایش، نقش قراردادهای مشارکت در تولید و نقش شرکت‌های خارجی (به طور مستقل) اندک بوده و اغلب شرکت‌هایی که به طور عمودی ادغام شده‌اند در افزایش تولید نفت مؤثر بوده‌اند

در روز نفت به بازار آسیا فرستاده شود. قابل توجه این که در آن برهه روسیه در نظر دارد حدود نیم میلیون بشکه در روز نیز از طریق ایران نفت صادر کند.

دومین سخنران بعد از ظهر روز دوم کنفرانس، چلبی مدیر اجرایی مرکز مطالعات جهان انرژی (CGEG) بود. وی در ابتدا به کاهش اهمیت خلیج فارس در ۲۵ سال اخیر اشاره کرد و این مهم را از دو بعد اقتصادی (تمایل اوپک به قیمت‌های بالاتر) و سیاسی مورد ارزیابی قرار داد.

چلبی معتقد بود هم اکنون ۳۰ درصد از نفت جهان از منطقه خلیج فارس تأمین می‌شود در حالی که در گذشته ۷۰-۶۰ درصد نفت جهان از این منطقه تأمین می‌شد به گونه‌ای که وابستگی کشورهای غربی به این منطقه از ۳۴ به ۱۸ درصد کاهش یافته است.

وی اضافه کرد: هم اکنون سهم بازار با ذخیره نفتی کشورها تناسب ندارد که در این صورت عربستان باید ۲۰ میلیون بشکه در روز تولید کند در حالی که تولید به مسائل سیاسی و ژئوپلتیک ارتباط پیدا کرده است.

وی به پیش‌بینی‌های گذشته که بر بیشتر بودن تقاضای نفت نسبت به توانایی اوپک تأکید داشتند، اشاره کرد و خاطر نشان ساخت که این پیش‌بینی‌ها به وقوع نپیوست، زیرا تولید اوپک در دهه هشتاد سقوط کرد و به نصف کاهش

یافت. هم اکنون نیز فشارها بر تقاضا زیاد است. عواملی چون محیط‌زیست، تکنولوژی و امثال آن (افزایش کسارایی، رقابت سایر انرژی‌ها، صرفه‌جویی‌ها و ...) بر تقاضای نفت فشار می‌آورد. مشکل اوپک این است که قیمت نفت را نمی‌تواند در سطح رقابتی حفظ کند. زیرا در زمان سقوط قیمت‌ها آمریکا به اوپک فشار آورده و اوپک را ناچار می‌کند تا قیمت نفت را در سطح مورد نظر آمریکا حفظ کند، البته مشکلات اوپک روز بروز افزایش می‌یابد. ظرفیت‌سازی در اوپک به سرعت صورت می‌گیرد. هم اکنون اغلب کشورها خواستار افزایش سهمیه هستند (نیجریه، الجزایر، ونزوئلا و...)، در حالی که احتمال ورود بیشتر نفت عراق نیز به بازار نفت وجود دارد. اما سؤال اصلی این است که عربستان چه خواهد کرد؟

چلبی (که خود فردی عراقی است) سپس در مورد آینده صنعت نفت عراق اظهار داشت: هر دولتی سرکار بیاید، از یک بشکه نفت هم نخواهد گذشت از این رو تولید عراق ممکن است به ۷-۸ و یا حتی ده میلیون بشکه در روز نیز برسد، زیرا مخازن عظیم نفتی نظیر مجنون، نهر عمر و قرنای غربی در دهه ۱۹۷۰ کشف شده‌اند و هزینه تولید آنان نیز بسیار اندک است.

اما سؤال این است که اوپک چه خواهد کرد؟ وی در مورد تولید نفت روسیه اظهار داشت، تولید نفت روسیه در قیمت‌های ۱۵-۱۴ دلار در بشکه نیز تداوم خواهد داشت (نظیر دریای شمال) قیمت‌های بالای نفت باعث افزایش تولید روسیه شده، البتة مدیریت بهتر نیز بی‌تأثیر نبود و اگر قیمت‌های کنونی (حدود سی دلار) به نصف هم کاهش یابد تولید نفت مناطق مختلف تداوم خواهد داشت. حال اگر کشورهای نظیر روسیه، عراق و سایر مناطق نظیر آفریقای غربی و سایرین در هر سطحی که مایلند تولید کنند، قیمت‌های نفت در سطحی کمتر از ۱۳ دلار در بشکه قرار خواهد گرفت.

به اعتقاد چلبی از سال ۱۹۷۳ تاکنون منطقه خلیج فارس متشنج است، از این رو مصرف‌کنندگان مایلند وابستگی خود را به این منطقه کاهش دهند. یکی از دلایل بروز مسائل اخیر عراق، نفت است. نفت عراق می‌تواند از مسیرهای متنوع و غیر خلیج فارس نظیر مدیترانه یا دریای سرخ صادر شود. به هر حال نفت عراق به بازار نفت، باز خواهد گشت، (با ظرفیت کامل) اما با هزینه‌ای که عربستان برای این اقدام خواهد پرداخت. وی از توافق پوتین و جرج بوش در

Tuapse بر عهده دارد.

مخلوط کردن کلیه نفت خام‌ها و تهیه نفت اورال با درجه ۳۲=API و گوگرد ۱/۶-۱/۲ درصد نیز از وظایف این شرکت است. ۷۵ درصد از این شرکت متعلق به دولت است و سود آن در نیمه اول سال ۲۰۰۲ به میزان ۳۸۰ میلیون دلار بوده است. با توجه به وضعیت کشور روسیه اغلب جابجایی فرآورده‌های نفتی به کمک خطوط راه‌آهن صورت می‌گیرد (۹۰ درصد). در روسیه ۲۵ پالایشگاه با ظرفیت ۵ میلیون بشکه در روز وجود دارد اما اغلب



آنها در سطحی کمتر از ظرفیت خود کار می‌کنند. در سال جاری کل کارکرد پالایشی در روسیه ۳/۶۵ میلیون بشکه در روز بوده است که در مورد پالایشگاه‌های مختلف از ۲۵ تا ۹۰ درصد متغیر است. در سال ۲۰۰۰ میلادی متوسط درصد بنزین استحصالی از سیستم پالایشی ۱۹ درصد بود در حالی که این درصد برای فرآورده‌های میان تقطیر و نفت کوره به ترتیب ۴۰ و ۴۱ درصد است. به طور کلی در مقابل نرخ رشد مصرف داخلی به میزان ۲/۳ درصد تولید نفت با نرخ ۵/۶ درصد رشد می‌کند.

آخرین سخنران سمپوزیوم David Short نماینده شرکت Vitol در روسیه بود که در مورد بخش پالایش و تجارت نفت در روسیه مطالبی ارائه کرد. وی وضعیت تولید و کارکرد پالایشی شرکت‌های مختلف روسیه را به شرح زیر بیان کرد:

وی سپس به تشریح عملکرد شرکت Transneft پرداخت و گفت: این شرکت مدیریت عملیات شبکه ۴۹۰۰۰ کیلومتری انتقال نفت به اروپای مرکزی، آلمان، هلند، بلغارستان و چکسلواکی را بر عهده دارد. عملیات صادرات نفت را طریق بنادر Novorossiysk, Primorsk, Buting, Ventspils و Odessa

مورد عرضه نفت روسیه به آمریکا به عنوان یک توافق اصلی یاد کرده و پیش‌بینی کرد که روسیه تا یک میلیون بشکه در روز نفت به آمریکا عرضه خواهد کرد. از طرف دیگر پیش‌بینی می‌شود با افزایش سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی در روسیه تولید شرکت‌های بین‌المللی از روسیه رو به افزایش باشد به گونه‌ای که در برهه ۲۰۰۵-۲۰۱۰ (بر اساس پیش‌بینی CGES) سهم تولید نفت شرکت‌های بین‌المللی در روسیه و خزر به ترتیب ۱/۲۳ و ۰/۸۱۰ میلیون بشکه در روز خواهد بود که این مقدار در هر دو منطقه تا ۲ میلیون بشکه در روز نیز در دهه بعد قابل افزایش است.

نام شرکت	تولید کنونی (هزار بشکه در روز)	کارکرد پالایشی (هزار بشکه در روز)
Lukoil	۱۵۰۰	۶۵۰
Yukos	۱۳۰۰	۶۰۰
Surgut	۱۰۵۰	۳۰۰
TNK	۹۵۰	۳۰۰
Tatneft	۵۰۰	صفر
Sidanco	۴۰۰	۸۰
Sibneft	۵۲۵	۲۶۵
Rosneft	۳۰۰	۱۷۰
Slavneft	۲۶۰	۲۳۵
Bashneft	۲۵۰	۳۵۰
شرکت‌های مستقل که بیش از ۸۵ شرکت هستند	۶۰۰	صفر